

Critical Studies in Texts and Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 22, No. 6, Summer 2022, 265-282
Doi: 10.30465/CRTLS.2021.33445.2021

A Critical Review on the Book ***Testing Language Skills: From Theory to Practice***

Nasimeh Noohi Jedsi*

Alireza Rasti**

Abstract

The present study is the result of a content analysis on the book *Testing English Language Skills, From Theory to Practice* written by Farhady, Jafarpour, and Birjandi. This book is one of the most widely-used textbooks selected by language instructors for the testing courses of TEFL, Translation, and English literature majors. Using McDonough, Shaw, and Masuhara's (2013) textbook evaluation framework, the authors carried out both internal and external evaluations of the claims made by the authors in the preface of the book. The claims included: using lucid language, comprehensive coverage, a desirable organization of the materials presented and a direct relevance to the Iran's context. Furthermore, the textbook was also analyzed based on its physical appearance, content, and methodology. The strengths and weaknesses in each domain were categorized and presented. At the end, some recommendations have been made to the authors, in case of any future editions of the textbook by the authors.

Keywords: Testing English Language Skills, Internal Evaluation, External Evaluation, Content Analysis, English Textbooks.

* Assistant Professor, Salman Farsi University of Kazerun, Kazerun, Iran (Corresponding Author),
Nnoohij1985@gmail.com

** Assistant Professor, Salman Farsi University of Kazerun, Kazerun, Iran,
alirezarasti77@gmail.com

Date received: 2022/04/19, Date of acceptance: 2022/07/20



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نقد و ارزیابی کتاب آزمون در زبان انگلیسی: نظریه‌ها و کاربردها

نسیمه نوحی جدسی*

علیرضا راستی**

چکیده

پژوهش پیش‌رو حاصل تحلیل محتوای کتاب *آزمون در زبان انگلیسی: نظریه‌ها و کاربردها*، نوشته حسین فرهادی، عبدالجواد جعفرپور، و پرویز بیرجندی، است که از مهم‌ترین و فراگیرترین منابع درس آزمون‌سازی گرایش‌های گوناگون رشته زبان انگلیسی به‌شمار می‌رود. در این پژوهش، با به‌کارگیری چهارچوب ارزیابی کتاب مک دانه، شاو، و ماسوهارا، به بررسی همه‌جانبه اثر در قالب دو مرحله ارزیابی بیرونی و درونی پرداخته شد. مصداق‌های عینی اظهارات و مفروضات مستخرج نویسندگان در مقدمه کتاب، از جمله زبان و بیان روان، جامع‌بودن مطالب، چینش منطقی مطلوب مطالب، و مرتبط‌بودن آن با بافت ایران، در بررسی خط‌به‌خط کتاب در مرحله ارزیابی درونی بررسی شدند تا میزان پوشش و نمود آن‌ها در قالب شکل، محتوا، و روش‌شناسی اثر مشخص شود. پس‌از آن، نقاط قوت و ضعف هر زمینه‌ای، با استناد به اصول پذیرفته‌شده و جدیدترین یافته‌های رشته، به تفکیک ارائه شده‌اند. در پایان، پیش‌نهادهایی برای بهبود کتاب در ویرایش‌های احتمالی آتی آمده است.

کلیدواژه‌ها: آزمون زبان انگلیسی، تحلیل محتوا، ارزیابی بیرونی، ارزیابی درونی، کتب درسی زبان انگلیسی.

* استادیار آموزش زبان انگلیسی، عضو هیئت علمی دانشگاه سلمان فارسی کازرون، کازرون، ایران
(نویسنده مسئول)، Nnoohij1985@gmail.com

** استادیار آموزش زبان انگلیسی، عضو هیئت علمی دانشگاه سلمان فارسی کازرون، کازرون، ایران
alirezarasti77@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۲۹



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

سنجش و ارزیابی (assessment) همواره پرچالش بوده است. نتایج سنجش و ارزیابی می‌تواند در زندگی آزمودنی‌ها (testees) تأثیر به‌سزایی داشته باشد و به این دلیل، باید دقیق، معتبر، و متناسب باشد. از سوی دیگر، این حیطه با حوزه‌های پیچیده‌ای چون علم روان‌سنجی، آمار، علوم اجتماعی، زبان‌شناسی، و غیره درهم‌تنیده است. سنجش، ارزیابی، و آزمون‌سازی زبان انگلیسی نیز تابعی از این پیچیدگی‌هاست. در نتیجه، منابعی که برای آموزش این حوزه نوشته شده‌اند، هم‌زمان به موارد گوناگونی توجه دارند.

به‌طور خاص، حوزه سنجش، ارزیابی، و آزمون‌سازی زبان دوم همواره تحت‌تأثیر تغییرات و نوآوری‌های بخش آموزش زبان انگلیسی بوده است. با افزایش روزافزون نیاز به یادگیری زبان انگلیسی، نیاز به (باز) تعریف و توسعه روش‌ها و ابزارهای به‌روز و کارآمد برای سنجش و ارزیابی دانسته‌ها و توانایی‌های فراگیران بیش‌تر احساس می‌شود.

از این‌رو، متخصصان این حوزه با پژوهش در جنبه‌های گوناگون پیوسته در تلاش‌اند تا نتایج یافته‌های پژوهش‌های علمی خود را در قالب کتاب‌های علمی و آموزشی در اختیار کاربران و ذی‌نفعان این حوزه، که مهم‌ترین معلمان‌اند، قرار دهند. حاصل چنین تلاشی در قالب کتاب‌های تألیفی سنجش، ارزیابی، و آزمون‌سازی در مقطع‌ها و گرایش‌های گوناگون رشته زبان انگلیسی، به‌ویژه گرایش آموزش زبان انگلیسی، دیده می‌شود (برای نمونه، بنگرید به Bachman 1990; Fulcher and Davidson 2007; McNamara 2000; Shohamy 2017).

کتاب *آزمون در زبان انگلیسی: نظریه‌ها و کاربردها*، با عنوان انگلیسی *Testing English* و *Language Skills, From Theory to Practice*، به‌قلم حسین فرهادی، عبدالجواد جعفرپور، و پرویز بیرجندی، برآیند تلاش متخصصان و صاحب‌نظران در بافت ایران است. کتاب یادشده، که در بازار نشر در جامعه آموزش زبان انگلیسی کشور به «تستینگ فجب» مشهور است، از مهم‌ترین کتاب‌های نوشته‌شده برای تدریس درس سنجش و ارزیابی، و آزمون‌سازی مقطع کارشناسی گرایش‌های آموزش زبان انگلیسی، زبان و ادبیات انگلیسی، و مترجمی زبان انگلیسی است. وجه مهم دیگر کتاب این است که منبع اصلی سؤالات درس آزمون‌سازی آزمون مقطع کارشناسی ارشد برای گرایش آموزش زبان انگلیسی به‌شمار می‌آید. بنابر اطلاعات ارائه‌شده در پایگاه اینترنتی ناشر (سمت)، این کتاب اولین بار در سال ۱۳۷۳/۱۹۹۴ به‌چاپ رسیده و تا سال ۱۳۹۸ بیش از ۲۴ بار تجدیدچاپ شده است.

باتوجه به اهمیت کتاب نام برده و استفاده گسترده دانشجویان گرایش‌های مختلف رشته زبان انگلیسی از آن و هم‌چنین اهمیت و جایگاه حوزه آزمون‌سازی زبان انگلیسی، نوشتار پیش‌رو با اذعان به این‌که کتاب یادشده مجموعه‌ای مفید و پرمحتواست و حاصل تخصص نویسندگانی است که صاحب‌نظر در این رشته‌اند، در تلاش است تا به‌شکل نظام‌مند به بررسی همه‌جانبه این اثر بپردازد. از این‌رو، هم نقاط مثبت و هم ایرادهای کتاب به‌بوتۀ نقد کشیده شده است. موضوع دیگری که انگیزه‌ای برای انتخاب این کتاب به‌منظور نقد و تحلیل بود این است که باوجود اهمیت و استفاده گسترده از آن، شوربخانه، تاکنون نویسندگان کتاب در چاپ‌های متمادی در سالیان گذشته ویرایشی در آن انجام نداده‌اند. علاوه‌براین، تا آن‌جاکه نویسندگان این سطور آگاهی دارند، تاکنون تنها نقدی که درباره این اثر به‌چاپ رسیده است، مقاله صحرارگرد و ذوالفقاری (Sahragard and Zolfaghari 2014) بوده است که با چهارچوب نیشن و مکلاستر (۲۰۱۰)، این اثر را بررسی کرده‌اند. نقد دیگری که درباره این اثر صورت گرفته، بررسی منتشرشده در پایگاه اینترنتی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی است که به‌شکل اجمالی و در سطوری چند و نه در قالب مقاله پژوهشی، به بررسی شکلی و محتوایی این کتاب پرداخته است. موارد یادشده نویسندگان پژوهش پیش‌رو را بر آن داشت تا با بررسی و تحلیل خط‌به‌خط تلاش کنند تا نقد فراگیر و منصفانه‌ای از این کتاب را به‌دست دهند.

امید است که نتایج حاصل به مجموعه‌ای از موارد راه‌گشای نویسندگان برای ویرایش‌های احتمالی یا به راه‌نمایی برای مدرسان این درس در گزینش کتاب آموزشی تبدیل شود. شایان ذکر است که نویسندگان این پژوهش در تدریس درس سنجش و ارزیابی و آزمون‌سازی مقطع کارشناسی و کتاب یادشده پرسابقه‌اند و نتایج پژوهش پیش‌رو می‌تواند بازتاب این تجربیات زیسته باشد.

۲. روش نقد و ارزیابی کتاب

در این مطالعه، به‌منظور حصول ارزیابی همه‌جانبه، دو مرحله ارزیابی بیرونی و ارزیابی درونی صورت گرفته است. در مرحله ارزیابی بیرونی، که رویکردی کلی‌نگر دارد، به بررسی کلی و ظاهری و استخراج اظهارات و ادعاهای نویسندگان در بخش‌هایی هم‌چون پشت کتاب، پیش‌گفتار، مقدمه، و فهرست مندرجات پرداخته شده است. در مرحله ارزیابی درونی، که جزئی‌نگرتر از مرحله پیشین است، تلاش می‌شود تا با مطالعه و بررسی

خط‌به‌خط کتاب، میزان تحقق و نمود ادعاهای نویسندگان درباره کتاب تعیین و در نتیجه آن، ارزش، تأثیرگذاری، و تمایز کتاب با کتاب‌های دیگر مشخص شود. هم‌چنین، بتوان به این پرسش اساسی پاسخ داد که آیا کتاب بررسی شده ارزش انتخاب شدن به‌منزله کتاب آموزشی را دارد یا خیر. در صورت در دسترس بودن کتاب‌های دیگر در بازار نشر، نتایج ارزیابی بیرونی و درونی می‌تواند به ما کمک کند که بهترین گزینه را انتخاب کنیم. چنان‌چه کتاب مورد بررسی تنها کتاب موجود یا در دسترس باشد، نتایج ارزیابی بیرونی و درونی می‌تواند در تعیین و رفع کاستی‌ها و برجسته‌نمایی نقاط قوت راه‌گشا باشد.

۳. بررسی و نقد کتاب

۱.۳ ارزیابی بیرونی

کتاب *آزمون‌سازی زبان انگلیسی: نظریه‌ها و کاربردها* در قطع وزیری، در ۳۰۴ صفحه، و به زبان انگلیسی به چاپ رسیده است. طرح جلد ساده و مناسب با متون دانشگاهی است. هیچ صفحه‌ای مبتنی بر اطلاعات و مشخصات فیبای کتاب در صفحات آغازین کتاب وجود ندارد. بنابراین، اطلاعاتی درباره تاریخ نشر، ویرایش مجدد، و... در دسترس قرار نگرفته است. فهرست محتوایی کتاب به صورت مدون و ساختارمند همه محتوای کتاب را پوشش داده است.

هرچند به صراحت گفته نشده است، اما برپایه عنوان کتاب، می‌توان آن را متشکل از دو بخش عمده دانست. در بخش ابتدایی، که متشکل از فصل‌های یک تا هفت است، به بیان مفاهیم نظری و اساسی سنجش و ارزیابی پرداخته شده و بخش دوم کتاب، که شامل فصول هشتم تا شانزدهم است، به روش‌های ساخت آزمون برای هر مهارت (گفتاری، شنیداری، نگارش، و درک مطلب) و شبه‌مهارت‌ها (دستور زبان، لغات، و تلفظ)، یا ترکیب آن‌ها (کلوزتست و دیکته) اختصاص یافته است.

در مقدمه‌ای که نویسندگان به زبان انگلیسی نوشته‌اند، به دلایل نگارش کتاب و مزایای آن در مقایسه با کتاب‌های پیشین در زمینه آزمون‌سازی اشاره شده است. این موارد به‌طور خلاصه شامل مشخصه‌های ذیل است:

۱. چینه مطالب کتاب به‌گونه‌ای است که فراگیران را از اولین تا آخرین مراحل آزمون‌سازی راه‌نمایی می‌کند. بدین صورت که فصول به‌گونه‌ای تنظیم شده‌اند که به فراگیران در طراحی، اجرا، نمره‌دهی، و تفسیر آزمون کمک می‌کنند.

۲. سبک نگارشی کتاب بسیار واضح است و مفاهیم به دور از پیچیدگی بیان شده‌اند تا برای فراگیران در درک مطالب و مفاهیم، به دلیل تسلط نداشتن کامل یا مکفی به زبان انگلیسی، مانعی به وجود نیاید.

۳. سعی بر آن بوده است که این کتاب طیف وسیعی از موضوعات را در بر بگیرد تا بتواند تصویر نسبتاً کاملی از مسائل و مباحث آزمون‌سازی موردنیاز معلمان و مدرسان آموزش زبان به فراگیران ارائه دهد.

۴. در طول کتاب، تلاش بر این بوده است که مطالب با نیاز فراگیران ایرانی و بافت ایران سازگار باشد.

۲.۳ ارزیابی درونی

در این بخش، با استناد به محتوای کتاب، میزان تحقق هریک از اظهارات و گزاره‌های مطرح‌شده در مقدمه بررسی شده است.

گزاره اول: چینه مطالب

چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، مطالب کتاب در دو دسته‌بندی کلی قرار دارد: هفت فصل اول به بیان مطالب مفهومی و نظری آزمون‌سازی زبان انگلیسی اختصاص یافته و پس‌از آن، فصل‌های هشتم تا شانزدهم به ساخت و طراحی آزمون هریک از مهارت‌ها یا شبه‌مهارت‌ها پرداخته است. نویسندگان بر این باور بوده‌اند که این سیر چینه مطالب می‌تواند ذهن فراگیر را مستعد فهم مفاهیم و نظریات کند و در نهایت، فراگیرنده بتواند این مفاهیم را به صورت عملی به کار بگیرد و آزمون‌های گوناگونی را در همه سطوح و درباره همه‌نوع مهارت و شبه‌مهارتی طراحی، اجرا، نمره‌دهی، و تفسیر کند. در بازنگری کتاب که نویسندگان انجام داده‌اند، درباره گزاره مطرح‌شده نکات زیر اهمیت دارد:

۱. صرف معرفی، پرداختن به مباحث، و اختصاص صفحاتی مربوط به هر مهارت لزوماً به توانایی به‌کارگیری درست و عملی کردن دانسته‌ها نمی‌انجامد. گمان نمی‌رود که گزاره یادشده برای فراگیران این سطح تحقق‌پذیر باشد.

۲. رعایت نکردن مفاهیم پیش‌نیاز: به‌طور منطقی، انتظار می‌رود که پیش از بیان یک مفهوم، به‌ویژه مفاهیم پیچیده و جدید، به پیش‌نیازها و مفاهیمی پرداخته شود که دانستن و

فهم آن‌ها برای ارائه مفهوم جدید ضروری است. بی‌توجهی به این مهم در چندین جای کتاب، ممکن است برای فراگیران مشکل ایجاد کند.

شاهد اول: در بخش پایانی فصل چهار، مفهوم «هم‌بستگی» (correlation) معرفی شده که مفهومی آماری است و فراگیران از پیش با آن آشنایی ندارند. در معرفی انواع فرمول‌ها برای محاسبه هم‌بستگی، بدون توضیح درباره انواع داده‌ها، یعنی اسمی (nominal)، رتبه‌ای (ordinal)، فاصله‌ای (interval)، و نسبی (ratio)، به دسته‌بندی و معرفی سه فرمول متفاوت براساس نوع داده موجود اشاره شده است. بدون آشنایی فراگیران با نوع داده، درک این‌که کدام فرمول در چه موقعیتی استفاده شود ممکن نیست. در چنین حالتی، مدرس کتاب باید ابتدا انواع داده‌ها را معرفی و تفاوت هرکدام را با دیگری تشریح کند تا بتواند به قسمت بعد بپردازد که معرفی فرمول‌های محاسبه هم‌بستگی براساس نوع داده است. پرکردن این شکاف مفهومی موجود در مطالب این قسمت به مدرس سپرده شده است.

شاهد دوم: در انتهای فصل هفتم، که به نحوه تفسیر نمره‌ها اختصاص دارد، دو مفهوم ملاک مرجع (norm-referenced) و هنجار مرجع (criterion-referenced) تشریح شده و برای تبیین این دو مفهوم، از مفاهیم دیگری هم‌چون منحنی احتمالات (probability curve) و نمره استاندارد شده (standardized scores) استفاده شده است، بدون این‌که چنین مفاهیمی اساسی‌ای برای فراگیران و مخاطبان اثر، که اغلب نخستین تجربه آزمون‌سازی را سپری می‌کنند، تبیین شود. توضیح این موارد نیز برعهده مدرس کتاب قرار می‌گیرد که سبب افزایش بیش از پیش حجم مطالب ارائه شده می‌شود.

شاهد سوم: در صفحه ۱۶۷ در معرفی و بررسی انواع آزمون لغات انگلیسی، اشاره شده است که به دلیل backwash effect، استفاده از یکی از انواع آزمون‌ها توصیه نمی‌شود، بدون این‌که درباره این عبارت، که مفهومی اساسی و مهم در آزمون‌سازی است، از قبل به فراگیر اطلاعاتی ارائه شده باشد یا در ادامه، این مفهوم توضیح داده شود. در این مورد نیز مدرس ناچار است به توضیح بیش‌تر بپردازد.

۳. تفسیر تست براساس معیار مرجع محور و هنجار محور از مباحث اساسی آزمون‌سازی است که اغلب پس از مرحله ساخت و اجرای آزمون بدان پرداخته می‌شود. این مبحث در این کتاب، در انتهای فصل هفتم آورده شده است که به بیان تاریخچه و نظریات آزمون‌سازی اختصاص یافته و به‌نوعی به شکاف مفهومی مطالب این فصل انجامیده است.

گزاره دوم: انطباق با بافت ایران

برپایه اظهار نویسندگان کتاب، مطالب با محوریت رویکرد استفاده در محیط ایران نگاشته شده است که در آن زبان انگلیسی زبان خارجی (foreign language) و نه زبان دوم (second language) است (یعنی گویش ور انگلیسی در کنار گویش ور فارسی به طور طبیعی وجود ندارد) و هم چنین برای فراگیران و کاربرانی نوشته شده است که در محیط ویژه ایران به ساخت آزمون می پردازند. طرح چنین موردی در مقدمه این انتظار را در خواننده یا فراگیر ایجاد می کند که مسائل و شرایط خاص مرتبط با سنجش، ارزیابی، و آزمون های اجرا شده در ایران در کتاب تشریح و پاسخ هایی برای آن ها ارائه می شود، ولی بررسی دقیق کتاب این اظهار را باطل می کند. در طول کتاب تنها اشاره هایی که به محیط ایران شده است، در موارد ذیل خلاصه می شود:

۱. به کارگیری اسامی ایرانی در مثال های کتاب: رضا، حسین، علی، امیر، بهنام (Farhady et al. 2007: 2, 42, 53, 168, 224).
۲. به کارگیری لفظ «مدرسه راه نمایی» در پرانتز در ترجمه عبارت middle school بدون هیچ اشاره ای به ویژگی های این مقطع تحصیلی (3: ibid.);
۳. اشاره به پدیده کنکور در ایران و رقابتی بودن چنین آزمونی؛
۴. اشاره به شهر تهران در بعضی تمرینات (204-221: ibid.);
۵. در انتهای فصل دوم و به منزله مثالی برای آزمون دانش محور (knowledge test)، اشاره شده است که تنها در امتحانات دانشجویان رشته زبان انگلیسی سؤالات به زبان انگلیسی نوشته می شود، در حالی که در بعضی رشته ها، به ویژه در مقاطع تحصیلات تکمیلی و در رشته های علوم پایه و فنی و مهندسی، طراحی سؤال به زبان انگلیسی در برخی دانشگاه های بزرگ کشور کاملاً متداول است.

گزاره سوم: دربرگیری طیف وسیعی از موضوعات

نویسندگان در مقدمه کتاب اظهار کرده اند:

این کتاب برخلاف سایر کتب موجود مرتبط با آزمون سازی، طیف وسیعی از مطالب را در بر گرفته و ایراد سایر کتب را که هر یک آزمون سازی را از یک دیدگاه خاص مورد بررسی قرار داده اند، پوشانده است (ibid.: xiii)

با وجود این، یکی از ایرادهای بزرگ کتاب (تا آن‌جا که نویسندگان این سطور آگاهی دارند)، ویرایش‌نشده شدن مطالب از زمان چاپ اولیه است. این کتاب از اولین چاپ خود در سال ۱۳۷۳، بدون هرگونه ویرایشی بارها تجدید چاپ شده است. پرواضح است که بدون ویرایش، افزودن مطالب جدید، و به‌روز کردن مطالب به احتمال زیاد بسیاری از یافته‌های جدید و کاربردی از دست‌رس فراگیران دور خواهد ماند؛ مباحثی هم‌چون نقش روبه‌رشد فناوری در آزمون‌سازی، مسائل اجتماعی مربوط به آزمون‌سازی، و غیره. با تکیه بر این موارد، می‌توان گفت این اظهار نظر در کتاب تحقق نیافته است.

از بارزترین نمونه‌های پوشش‌ندادن مطالب مهم دیگر در کتاب، پرداختن بسیار اندک به ارزش‌یابی با رویکرد ارتباطی (communicative language testing) است. این رویکرد، که از جدیدترین و ملموس‌ترین روش‌های تدریس و ارزیابی و درعین‌حال پیچیده‌تر از روش‌های پیشین است، در کتاب حاضر کم‌تر از بیست صفحه را به‌خود اختصاص داده است. فصل شانزدهم کاملاً به این موضوع اختصاص یافته است، ولی اثری از توضیحات مفصل فصل‌های پیشین و مثال‌های فراوان و کاربردی دیده نمی‌شود و تنها به بیان کلیات و یک مثال بسنده شده است. درعین‌حال، در بخش فعالیت‌های آخر فصل، از فراگیران خواسته شده است یک مورد سؤال با رویکرد ارتباطی بنویسند و اجزای آن را مشخص کنند. به‌طور کلی، می‌توان گفت فراگیران، صرف تکیه بر این کتاب، ممکن است نتوانند در طراحی، اجرا، نمره‌دهی، یا تفسیر آزمون‌های پایا، روا، و منطبق با رویکرد ارتباطی، که در آموزش و ارزیابی زبان رویکردی مقبول و نزدیک به واقعیت است، مهارت کافی کسب کنند. انتظار این بود که با کاستن از مطالب ارائه‌شده در فصل‌های پیشین، همانند کلوزتست (cloze-test) و دیکته (dictaion)، که نزدیک به رویکرد ارتباطی‌اند و تنها به پیش‌نیاز یک‌پارچگی (integrative) احتیاج دارند، فضا برای پرداختن به رویکرد ارتباطی در آزمون‌سازی فراهم شود. در این صورت، اهمیت توانایی طراحی سؤالات با رویکرد ارتباطی در ذهن فراگیر پررنگ‌تر می‌شد.

گزاره چهارم: زبان ساده

زبان و سبک نگارش کتاب، به‌ویژه در فصل‌های ابتدایی کتاب (یکم تا چهارم) و هم‌چنین فصل‌های انتهایی کتاب (هشتم تا شانزدهم)، نسبتاً ساده و روان است، ولی در بعضی فصل‌ها که مطالب پیچیده و نظری را بیان می‌کنند، مانند فصل ششم و هفتم که دو فصل مهم‌اند، فراگیران به توضیح اضافه مدرس کتاب، تبیین، و تشریح مسائل نیاز دارند و با خواندن یک یا چندبار مطالب نمی‌توانند به راحتی آن‌ها را درک کنند.

۴. بررسی سه جنبه ظاهری، محتوایی، و روشن‌شناختی اثر

در ادامه و در مرحله ارزیابی درونی کتاب مورد بررسی، به طرح ابعاد و جنبه‌های صورتی، محتوایی، و روش‌شناسانه اثر در قالب نکات مثبت یا منفی و مصداق‌های آن پرداخته شده است.

۱.۴ بررسی ظاهری و اشکالات نگارشی

۱. اشکالات مربوط به علائم نگارشی: در موارد ذیل، نقطه‌گذاری یا به‌درستی انجام نشده یا به‌طور کلی اعمال نشده است: (علامت‌هایی که زیرشان خط کشیده شده است، در نسخه اصلی کتاب وجود ندارند، ولی گاه از نظر نگارشی و گاه از نظر معنایی ضروری‌اند).

1. The more accurate the information upon which a decision is made, the better that decision is likely to be (Farhady et al. 2007: 2).

بعد از made باید کاما گذاشته شود.

2. Language testing, however, has, to some extent, failed to develop techniques for measuring... (ibid.: 12).

بعد از has باید کاما گذاشته شود.

3. In this type of item, Particular word are replaced by blanks... (ibid.: 36).

بعد از کلمه item نیازی به نقطه نیست.

۲. اشکالات مربوط به استفاده از حروف بزرگ یا کوچک: در جای‌جای کتاب کلمات (table, chapter, figure) که برای معرفی فصل، جدول، و شکل استفاده شده‌اند، در تکرار بعدی به‌صورت اسم خاص در نظر گرفته و با حروف بزرگ شروع شده‌اند. مثال:

1. Now, if this item were included in the Sample Test (presented above), it would... (ibid.: 230).

2. The theory leads to the conclusion that human beings possess a natural ability to perceive unfinished or incomplete Figures as complete entities (ibid.: 252).

3. A Table of specification has two dimensions (ibid.: 79).

4. A detailed discussion on the construction of such item types and the measuring of different skills will be presented in later Chapters. (ibid.: 12).

همه موارد مشخص شده باید با حروف کوچک آغاز شوند.

5. The proponents of this school of psychology, including wertheimer ... (15.2 Cloze Procedure)

در اسم خاص Wertheimer از حرف بزرگ استفاده نشده است.

۳. طراحی اشکال و تصاویر: بعضی تصاویر مانند تصاویر صفحات ۱۸۲، ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۱۱ و ۲۱۲، جذابیت بصری و کیفیت مناسب ندارند. همچنین در اشکال ۴.۷ و ۴.۸ نقاط به صورت دستی کشیده شده‌اند.

۴. اشکالات واژگانی: در بسیاری موارد در کتاب مدنظر، ایرادهایی مربوط به واژگان به چشم می‌آید که اغلب یا به دلیل حروف چینی نادرست‌اند، یا اساساً از واژه دقیقی استفاده نشده است. این مهم ضرورت ویرایش کتاب را دوبرابر می‌کند. در ادامه، به ایرادهایی اشاره شده است که پژوهش‌گران هنگام تدریس این کتاب به آن‌ها برخورد کرده‌اند:

نام محور عمودی شکل ۴.۶ به درستی نوشته نشده است و در شکل بالا score باید به art score و در شکل پایین به business score تغییر یابد (ibid.: 63).

در جمله

In this section we will learn how to compute a number which indicates the relationship between two sets of scores (ibid.: 60).

بتر است کلمه number به value تغییر یابد.

در جمله

that is, the decision as to which way to choose is a programmatic one (ibid.: 169).

به نظر می‌رسد کلمه pragmatic مدنظر بوده است.

در جمله

In fact, it does not make much difference which formula is used as long as ... (ibid.: 255).

in باید به is تغییر یابد.

در جملات ذیل املائی کلمات «becomes, select, course, gets, prerequisite» اشتباه است:

... thus providing the missing words becoms easier ... (ibid.: 253).

... the examinee is required to selecte ... (ibid.: 258).

Of cours, in this method the test taker has multiple options to fill in the balnks (ibid.: 262).

Moreover, ... the former precedes the latter and is a prerquisit for it (ibid.: 193).

استفاده از ترکیب «words of art» به جای «works of art» به معنای آثار هنری:

Of course, they do not need to be words of art. (ibid.: 11.2.1, par. 2)

۵. اشکالات دستوری:

در نمونه زیر، اسم عام مفرد بدون شمارنده (determiner) آورده شده است.

However, teachers and administrators 277chieveme intend to measure the degree of student's 277 chievement on a particular topic (ibid.: 22).

باید به صورت a student's نوشته شود.

در فصل چهارده (testing writing ability) در قسمت free writing، قسمت بالای مثال ۱۶، حرف اضافه «about» در پایان جمله نیامده است که نوعی ایراد دستوری به شمار می‌رود:

Free writing or composition writing involves, in essence, a topic for the examinees to write a composition of a certain length (about).

۶. استفاده از زبان جنسیت‌گرایانه (sexist language): به جرئت می‌توان گفت که امروزه کم‌تر کتاب معاصری در کشورهای انگلیسی‌زبان یافت می‌شود که دغدغه خنثی‌سازی یا استفاده نکردن از مصداق‌های زبان جنسیت‌گرایانه، مانند استفاده صرف از ضمائر و صفات سوم شخص مفرد مذکر (he, his, ...) را نداشته باشد. بایسته است در ویرایش احتمالی آتی کتاب فعلی، با وسواس و باریک‌بینی خاصی به جای‌گزینی مصداق‌های بسیار زیاد چنین ضمیرها و صفاتی اندیشید و تغییرات را به‌سوی استفاده از زبان جنسیت-خنثی پیش برد. موارد ذیل تنها نمونه‌ای از کاربرد زبان جنسیت‌گرایانه است. بدیهی است که ذکر همه موارد و مصداق‌های آن در نوشتار فعلی نمی‌گنجد:

Or he may ask them to describe their weekend, ... (ibid.: 214).

Should the examiner find him helpless, he can inject some incentives into the story (ibid.: 211).

۲.۴ بررسی محتوایی اثر

۱. بعضی از مباحث بیان‌شده از نظر علمی پذیرفته نیستند و بر آن‌ها ایراداتی وارد است یا دست‌کم به زیربنای علمی آن‌ها هیچ اشاره‌ای نشده است.

شاهد اول: فصل سوم کتاب انواع قالب و شکل سؤالات آزمون را بررسی و دسته‌بندی می‌کند. این فصل با معرفی سه نوع دسته‌بندی پیش‌رفته و ایرادات هرکدام را، که به ایجاد دسته‌بندی بعدی منجر شده است، بیان می‌کند. درانتها، نویسندگان نوعی دسته‌بندی به‌نام دسته‌بندی زبان-روانشناسی (psycholinguistics classification of test forms) ارائه داده و اظهار کرده‌اند که اشکالات دسته‌بندی‌های پیشین را رفع کرده‌اند، اما به‌سادگی می‌توان

دریافت که دسته‌بندی جدید ایراد دسته‌بندی قبل را برطرف نمی‌کند و تنها موارد دیگری به آن افزوده است که به حل مسئله دسته‌بندی انواع قالب سؤالات کمکی نمی‌کند. دسته‌بندی‌های پیشین همه انواع آزمون‌هایی را که در آن آزمودنی باید عبارات زبانی تولید کند، در یک دسته قرار داده است؛ یعنی آزمونی را که در آن آزمودنی باید یک کلمه در جواب بیان کند، در دسته آزمون‌هایی قرار داده است که در آن آزمودنی باید یک جمله، یک بند، یا حتی یک مقاله تولید کند و همه ذیل دسته‌بندی تولیدی (production) قرار گرفته‌اند. دسته‌بندی‌های پیشین به دلیل تمایزنگذاشتن بین این‌گونه آزمون‌ها مردود اعلام شدند. در دسته‌بندی‌ای که نویسندگان ارائه کرده‌اند، این مسئله هم‌چنان وجود دارد و حل نشده است. تنها مزیت دسته‌بندی ارائه‌شده افزودن موارد دیگری به دسته‌بندی پیشین است، بدون این‌که ایراد اصلی دسته‌بندی‌های پیشین را رفع کند. به همین دلیل است که خود نویسندگان در جایی از کتاب نوعی از فرمت خاص آزمون (true/false) را یک‌بار در صفحه ۸۱ در دسته comprehension و بار بعدی همین فرمت آزمون را در خط نهم صفحه ۳۵ در دسته comprehension یا recognition قرار می‌دهند. این موضوع نشان می‌دهد که دسته‌بندی به‌اندازه کافی دقیق نیست و نمی‌توان از آن به‌منزله ابزار دقیق، معتبر، و پایا برای دسته‌بندی انواع آزمون استفاده کرد.

ایراد دیگری که به این دسته‌بندی وارد است این است که ضرورت اصل موضوع دسته‌بندی انواع آزمون بیان نشده است و اختصاص دادن یک فصل به این مبحث توجیه‌پذیر نیست، چنان‌که در دیگر کتاب‌های آزمون‌سازی مبحث جداگانه‌ای به نام دسته‌بندی قالب سؤال دیده نمی‌شود. به نظر می‌رسد نویسندگان فقط برای ارائه دسته‌بندی خود این فصل را تدوین کرده‌اند.

شاهد دوم: در کتاب جمله‌ای به شرح ذیل آورده شده است:

It is true that we all realize the value of composition writing as a language exercise, but many teachers are dissatisfied with this type of subjective assessment (ibid.: 9).

در این جمله اظهار شده است که تعداد زیادی از معلمان از آزمون نوشتاری (نوشتن درباره موضوعی خاص به صورت انشا) ناراضی‌اند، زیرا تصحیح و نمره‌دهی آن سلیقه‌ای است و عینی نیست. این ادعای محکم مستدل براساس کدام پژوهش است؟ باتوجه‌به روایی زیاد و ارزش‌مند چنین آزمونی، این موضوع می‌توانست چنین بیان شود که نمره‌دهی این نوع آزمون برای معلمان دشوارتر است.

۲. مباحث غیرضروری یا دست‌کم بدون نیاز به تفصیل: بعضی از مطالب کتاب کاملاً غیرضروری‌اند یا دست‌کم به طرح آن‌ها در سطح گسترده نیاز نبوده است. گاهی توضیحات غیرضروری و طولانی ممکن است سبب خستگی و ازدست‌رفتن تمرکز بر نکته اصلی شود.

شاهد اول: مبحث فراوانی نسبی که با ذکر مثال آورده شده است (ibid.: 42)، هیچ کارکردی در مباحث بعدی ندارد و فقط پیچیدگی غیرضروری ایجاد می‌کند و تمایز آن با دو نوع دیگر فراوانی را، که بیش‌تر با موضوع این فصل مرتبط‌اند و در موارد بعدی هم کاربرد داشته‌اند (فراوانی ساده و فراوانی تجمعی)، برای فراگیران دشوار می‌کند.

شاهد دوم: در قسمتی به تشریح نیاز به نمودار (graph) برای ارائه و ترسیم وضعیت داده‌ها پرداخته شده است (ibid.: 46) که بسیار طولانی و غیرضروری می‌نماید. با وجود این، به نکته اصلی‌تر، که در چه موقعیتی از هر کدام از این نمودارها می‌توان بهره برد، اشاره نشده است.

شاهد سوم: نمونه بارزی از زیاده‌گویی و توضیحات طولانی غیرضروری، در فصل چهارم، در قسمت آماری مشاهده می‌شود که نحوه محاسبه میانگین، پراکندگی، و انحراف معیار را توضیح می‌دهد. حدود شش صفحه به نحوه محاسبه این موارد آماری پرداخته و به تفصیل مثال ذکر شده است. در صورتی که در حال حاضر، برای انجام پژوهش‌ها، انواع نرم‌افزارهای محاسباتی نتایج محاسبات گوناگون را به‌سادگی و به‌سرعت در اختیار کاربران قرار می‌دهند. درباره این سه مورد آماری باید گفت که اغلب فراگیران از قبل با این مفاهیم آشنا بوده‌اند و تنها بیان مفهوم، کاربرد، و تفاوتشان کفایت می‌کند. به نظر می‌رسد فصل چهارم کتاب با ذکر مطالب ضروری به‌صورت خلاصه‌تر، ولی با تأکید بر مفهوم آماره‌های گوناگون و چگونگی و شرایط کارکرد هریک، باید بازنویسی شود تا این که به چگونگی محاسبه هریک پرداخته شود (به‌ویژه درباره میانگین و پراکندگی).

شاهد چهارم: نمونه دیگری از این مورد نیز در فصل چهارم در مبحث هم‌بستگی و انواع فرمول برای محاسبه داده‌هایی با مقیاس‌های گوناگون (اسمی، رتبه‌ای، فاصله‌ای، و نسبی) دیده می‌شود. با توجه به این که این محاسبات با استفاده از نرم‌افزارها به‌سرعت و دقت انجام‌شدنی است، در ویراست‌های آتی، که خلأ آن به‌شدت احساس می‌شود، به شرح محاسبه و مثال برای هریک از فرمول‌ها نیازی نیست.

۳.۴ بررسی روش شناختی اثر

۱. سؤالات پایان درس: در پایان هر درس، برای اطمینان از این که فراگیران مطالب را به‌طور کامل آموخته‌اند یا در موارد مشابه می‌توانند از آن استفاده کنند، پرسش‌هایی به نام فعالیت‌ها (activities) آورده شده است که از نقاط مثبت کتاب است. با وجود این، ذکر چند نکته در پیوند با چنین فعالیت‌هایی ضروری می‌نماید:

مورد اول: تعداد پرسش‌ها در بعضی فصل‌ها بسیار زیاد و از حوصله دانشجویان خارج است. در کلاس نیز فرصت پرداختن به همه آن‌ها وجود ندارد.

مورد دوم: با توجه به این که سطح دشواری در بعضی از تمرین‌ها بالاتر است و مستقیم از متن درس قابل استنباط نیستند، شاید وجود حل تمرین‌ها در قالب پاسخ‌نامه در پایان کتاب، به تنویر ذهن فراگیران، یادگیری بیشتر، و درک کاربردی مطالب منجر شود.

مورد سوم: سطوح دشواری و ادراکی پرسش‌ها متفاوت و براساس سطوح یادگیری بلوم (Bloom 1956) است. سؤالات در بعضی فصل‌ها دانشی و در بعضی دیگر پیچیده و مفهومی‌اند. پیش‌نهاد می‌شود تمرین‌هایی که پیچیده‌ترند و به ترکیب دانسته‌ها و اعمال آن در شرایط جدید نیاز دارند، جداگانه در قالب تکلیف (task) مشخص شوند.

۲. نحوه پرداختن و آموزش علمی طراحی انواع آزمون: در بخش دوم کتاب (فصل‌های هشتم تا شانزدهم) ویژگی‌های آزمون هر نوع مهارت یا شبه‌مهارت معرفی شده و برای هر یک مدل‌های گوناگون طراحی سؤالات در قالب‌های مختلف گفته شده است که به خوبی می‌تواند ذهن فراگیر را برای طراحی آزمون آماده کند. با توجه به ماهیت عملی این بخش، فرایند ساخت به صورت مرحله‌ای ذکر نشده است؛ یعنی به این صورت که از مرحله انتخاب تا طراحی سؤال و ایراداتی که می‌تواند به طراحی، نمره‌دهی، یا اجرا وارد شود، بررسی شود. در کتاب فقط به اصول کلی و انواع رایج سؤالات هر مهارت یا شبه‌مهارت بسنده شده است. به این دلیل، مدرس باید تکلیف‌هایی را ارائه دهد که فراگیران را به طراحی انواع سؤالات مسلط کند.

۳. ارجاع به پژوهش‌های دیگر: به‌طور کلی، ارجاع به پژوهش‌های دیگر در کتاب بسیار کم‌رنگ است که می‌توان علت را در این جست‌وجو کرد که کتاب در سطح دانشجویان کارشناسی نقش آموزشی دارد. در عین حال، در بعضی موارد نیاز به ارجاع موارد ذکر شده احساس می‌شود. در بخش فهرست منابع (references) تنها ۲۳ منبع ذکر شده است که سه منبع پژوهش‌هایی‌اند که یکی از نویسندگان کتاب نوشته است.

۵. نتیجه‌گیری

باتوجه به مسائل تشریح‌شده، بیان جزئیات، و موارد مرتبط به هر بخش، نویسندگان می‌توانند در تجدیدنظر و ویرایش‌های احتمالی آینده به نسخه کارآمدتر و کاملی از کتاب حاضر دست یابند. این موضوع باتوجه به اهمیت درس سنجش، ارزیابی، و آزمون‌سازی و استفاده گسترده از کتاب نام‌برده به‌منزله اصلی‌ترین منبع آموزشی، که مدرسان برای آموزش به‌کار می‌برند، اجتناب‌ناپذیر است. از این رو، موارد ذیل به نویسندگان پیش‌نهاد می‌شود. دوباره تأکید می‌شود که تعدد این پیش‌نهادهای معنای کم‌ارزش بودن کتاب یادشده نیست و تنها به‌منزله مواردی برای بازخورد به نویسندگان، که خود از صاحب‌نظران این رشته‌اند، ارائه می‌شوند:

۱. به‌منزله پیش‌نهادی کاربردی، نویسندگان کتاب می‌توانند آن را در بازنگری به دو کتاب مجزا تقسیم کنند که یکی به بیان مفاهیم نظری می‌پردازد و دیگری با کاربردی مطالب نظری در قالب طراحی و ساخت آزمون مهارت‌ها و شبه‌مهارت‌های مختلف مرتبط است. همانند آنچه در دو کتاب براون (Brown 2001; Brown 2000) می‌بینیم، یک کتاب اصول و مبانی آموزش زبان انگلیسی (*Principle of Teaching English*) را بیان کرده است و همان نویسندگان اصول و مبانی ذکرشده در جلد اول کتاب را در کتاب *Teaching by Principles* به‌صورت کاربردی در آموزش تدریس عملی به‌کار بسته‌اند. باتوجه به تخصص و توانمندی نویسندگان اثر، این موضوع می‌تواند به تألیف کتابی مؤثر و کارآمد در حوزه آزمون زبان انگلیسی برای دانشجویان و علاقه‌مندان بینجامد.

۲. ترتیب و چینش مطالب تغییر یابد؛ از جمله قراردادن فصل هفتم به‌جای فصل آغازین کتاب، چراکه با تاریخچه و نظریات سنجش و ارزش‌یابی مرتبط است.

۳. با حذف پاره‌ای از مطالب غیرضروری و تقلیل توضیحات، هم‌چون مطالب اشاره‌شده در فصل سوم و چهارم، می‌توان کتاب را روان‌تر، منسجم‌تر، و درعین حال کاربردی‌تر کرد.

۴. اعمال تغییراتی در فعالیت‌های انتهای هر فصل، هم‌چون ارائه پاسخنامه یا تفکیک در قالب سؤال و تکلیف، می‌تواند در تفهیم عمیق‌تر مطالب در ذهن فراگیر مفید واقع شود.

۵. افزودن مطالب به‌روزتر و کاربردی‌تر می‌تواند به غنای مطالب و ایجاد درک صحیح و کاملی از آزمون‌سازی در ذهن فراگیران بینجامد.

کتاب‌نامه

- Bachman, L. F. (1990), *Fundamental Considerations in Language Testing*, Oxford: Oxford University Press.
- Bloom, B. S. (1956), *Taxonomy of Educational Objectives; The Classification of Educational Goals*, New York: Longmans, Green.
- Brown, H. D. (2000), *Principles of Language Learning and Teaching*, New York: Longman.
- Brown, H. D. (2001), *Teaching by Principles: An Interactive Approach to Language Pedagogy*, New York: Longman.
- Farhady, H., A. J. Jafarpour and P. Birjandi (2007), *Testing Language Skills: From Theory to Practice*, Tehran: SAMT.
- Fulcher, G. and F. Davidson (2007), *Language Testing and Assessment: An Advanced Resource Book*, London: Routledge.
- McNamara, T. (2000), *Language Testing*, Oxford: Oxford University Press.
- Sahragard, R. and F. Zolfaghari (2014), "Monitoring Testing Language Skills: From Theory to Practice from the Perspective of Assessment Literacy", *International Journal of Research in Education Methodology*, vol. 6, no. 2.
- Shohamy, E., O. Iair, and S. May (eds.) (2008), *Language Testing and Assessment*, DE: Springer.